

سه‌شنبه ۲۶ فروردین ۱۳۹۹ ‏ ۲۰ شعبان ۱۴۴۱‏ ۱۴ آوریل ۲۰۲۰

خبر کوتاه

شیرین ترین کامیک تاریخ باشگاه استقلال **شبّی که آسمان تهران آبی شد**
هادی شاه مرادی

در ماه فروردین تقویم تاریخ فوتبال ایران یک مناسبت خاص و غرورآفرین خودنمایی می‌کند. مناسبتی که از زمان رقم خوردنش تا به امروز مایه افتخار ورزش ایران بوده و هست. همه چیز به ۵۰ سال پیش و ورزشگاه امجدیه برمی‌گردد. شبّی استثنایی که آسمان تهران مثل روزهایش آبی شد و سراسر شهر تمام شب را جشن گرفت؛ ۲۱ فروردین ۱۳۴۹.

قهرمانان ۷ کشور برتر فوتبال آسیا، ۱۷ تیم شرکت کننده در سومین دوره مسابقات جام قهرمانی باشگاه‌های این قاره را تشکیل می‌دادند. باشگاه استقلال (تاج) توانست در گروه «الف» مسابقات با کسب امتیاز کامل و بدون گل خورده راهی نیمه نهایی شود و با برتری ۲ بر صفر مقابل نماینده اندونزی جواز حضور در فینال را دریافت کند.

همچنین نماینده رژیم صهیونیستی نیز که در گروه «ب» این رقابت ها صدرنشین شده بود با غلبه بر نماینده لبنان حریف استقلال در دیدار پایانی شد.

دو تیم تاج و هاپوئل در ورزشگاه مملو از تماشاگر امجدیه به مصاف هم رفتند. آبی های تحت هدایت رایکوف در یک جدال نفسگیر و در حالی که از دقیقه ۶۹ در حریف عقب افتاده بودند، با گل غلام وفاخواه در دقیقه ۸۳ به بازی برگشتند. تساوی در پایان ۹۰ دقیقه کار را به وقت های اضافه کشاند و در حالی که هنوز ۴ دقیقه از سوت شروع پانزده دقیقه اول گذشته بود ضربه مسعود معینی در شلوغی محوطه جریمه حریف و در عین ناباوری تبدیل به گل می‌شود تا شادی زایدالوصفی در ورزشگاه ایجاد شود چرا که آن شب برای اولین بار بود که هواداران آبی و قرمز رنگ و تعصب را کنار گذاشته بودند و با تشویق یکپارچه تاج، نگاه ملی به یک بازی باشگاهی را تجربه می‌کردند.

سوت پایان بازی به مثابه مهری بود بر سند تاریخی قهرمانی تاج در آسیا. این جام قهرمانی در حالی برای شاگردان رایکوف به دست آمد که نه تنها نخستین قهرمانی کی تیم ایرانی در جام باشگاه های آسیا رقم خورده بود، بلکه در ایران به قهرمانی های پیاپی نماینده های رژیم صهیونیستی در این مسابقات پایان داده شد. هر چند غلامحسین مظلموی از تیم تاج با ۵ گل زده آقای گل رقابت ها شد اما درخشش ناصر حجازی در این تورنمنت ستودنی بود چرا که از بازی نخست تا فتح جام فقط یک مرتبه و آن هم در بازی فینال دروازه تاج گشوده شد و این ناصر حجازی بود که در تمام نبردها حریفان تیمش را ناکام گذاشته بود.

هدیه آن تورنمنت به هواداران آبی نه تنها رقم زدن یک شب خاطره انگیز و فتح یک جام، بلکه ستاره ای بود که برای همیشه روی پیراهن این تیم نقش بسته است. ستاره ای که نمالایمتی‌های روزگار و ناجوانمردی‌های زمانه نه تنها کم‌وشیش نکرد بلکه جلای آن را جلوه‌گرتر از هر زمان دیگری آشکار ساخته است.

حالا نیم قرن از آن رویداد بزرگ می‌گذرد و شاید نگاهی بر تعداد حضور در فینال آسیا برای نمایندگان ایران در این ۵۰ سال بزرگی و عظمت نخستین قهرمانی تاج در آسیا را بهتر نشان دهد؛

استقلال؛ ۴ حضور در فینال (۲ قهرمانی و ۲ نایب قهرمانی)

سپاهان؛ یک حضور در فینال (یک نایب قهرمانی)
ذوب آهن؛ یک حضور در فینال (یک نایب قهرمانی)
پرسپولیس؛ یک حضور در فینال (یک نایب قهرمانی)
مظاهور که آمار حضور نمایندگان ایران در فینال این نشان می‌دهد، تیم های ایرانی تا به حال ۸ مرتبه موفق شده اند تا دیدار نهایی رقیبانشان را از پیش رو بردارند که نیمی از این تعداد به نام آبی های تهرانی ثبت شده است. ضمن اینکه ۳ عنوان قهرمانی ایرانی‌ها در رقابت های باشگاه های آسیا نشان از قدرت، افتخار و اصالت تیم های ریشه داری همچون استقلال و پاس است که توانسته اند جام قهرمانی آسیا را بالای سر ببرند.

وقتی بدهکاری مُد شد!

پرسپولیس منتظر محکومیت جدید از سوی فیفا

باشگاه پرسپولیس منتظر محکومیت خود در پرونده مربوط به شکایت گابریل کالدرون است.
گابریل کالدرون پس از حضور در راس کادر فنی پرسپولیس به دلیل اختلاف با محمدحسن انصاریفر مدیرعامل وقت باشگاه و عدم دریافت مطالبات خود اقدام به ترک این تیم در پایان نیم فصل جاری رقابت‌های لیگ برتر کرد.

سرمربی آرژانتینی سرخپوشان پایتخت همچون برانکو ایوانکوویچ به پرسپولیس فرصت داد تا تابلش را پرداخت کرده و کار به شکایت از پرسپولیس به فیفا نکشد اما سرخ‌ها نتوانستند خواسته سرمربی خود را تمام و کمال برآورده کنند تا این مربی هم روند خارجی‌های قبلی پرسپولیس را پیش بگیرد و طبق مفاد قرارداد خود اقدام کند. کالدرون در حالی خواهان دریافت ۵۰۰ هزار دلار از پرسپولیس شده که حدود ۴۰۰ هزار دلار نیز از سرخ‌ها دریافتی داشته است. نکته جالب توجه اینجاست که مدیران پرسپولیس به محکومیت قطعی خود در این پرونده اعتقاد دارند اما کاری برای جلوگیری از این موضوع نکردند. سرخپوشان پایتخت در حالی با شکست در پرونده‌های حقوقی خود روبرو می‌شوند که در فسخ با خارجی‌ها هیچ‌گونه حقی نداشته و در تمامی این پرونده‌ها علاوه بر محکومیت با خطر محرومیت از حضور در نقل و انتقالات نیز مواجه شده‌اند.

شیوه مدیریتی نه چندان کارآمدی که پرسپولیس را در زمره بدهکارترین باشگاه‌های ایران در فیفا قرار داده است.

بشار رسن را می‌توان یکی از خاص‌ترین خارجی‌های پرسپولیس دانست؛ بازیکنی که در عین کیفیت بالایی که دارد به خوبی توانسته به محبوبیت نزد هواداران نیز دست یابد.

بشار رسن این روزها و با توجه به شیوع کرونا به کشورش بازگشته و دوران قرنطینه را پشت سر می‌گذارد. او البته مدعی است تمرینات آماده سازی‌اش را به بهترین شکل دنبال می‌کند تا برای شروع فصل مشکلی نداشته باشد. با این حال همچنان یکی از مشکلات او با پرسپولیس به عدم دریافت مطالباتش مربوط است؛ جایی که او علیرغم میل باطنی‌اش با کمی نگرانی درباره آینده‌اش صحبت می‌کند.

رسن این روزها همانند دیگر چهره‌های مطرح دنیای مجازی با لایو اینستاگرامی و چالش‌های آن خود را سرگرم می‌کند و شب گذشته هم با لایوهای که داشت خیرساز شد. او در بخشی از صحبت‌هایش درباره تمرینات آماده سازی‌اش با نمایش بازوها اینطور می‌گوید: فکر می‌کنید این بازو همینطور این شکلی شده است؟ من تمرینات را دنبال می‌کنم. حالا حتی شده با وزنه خالی و باید تمرین کرد. من هم امیدوارم این شرایط هر چه زودتر تمام شود و فوتبال را دوباره شروع کنیم و دلم برای آن تنگ است.

هافبک عراقی پرسپولیس که شوخی‌هایش با شایان مصلح نیز چندی پیش جنجال ساز شده در اینباره اینطور توضیح داد: شایان پسر خوبی است. من دو سال با او هم اتاق بودم و فقط سرش در کتاب بود. باور می‌کنید روزی چهار ساعت کتاب می‌خواند؟ فکر کنم فقط کتاب‌های خودش را البته

می‌خواند و یکی از آنها را هم به من داد و هنوز لای آن را هم باز نکردام و نمی‌دانم کجاست؟ به او گفتم آخر من این را که به فارسی است چطور بخوانم و متوجه شوم!

وی ادامه داد: تمرینات او را در دوران قرنطینه دیدیم. واقعا جالب بود و فقط نمی‌دانم چرا اینقدر همچنان شکم دارد. احساس می‌کنم شکم او به قدری جلو آمده که شبیه حامله‌ها شده است، او پسر باجنه‌ای است و خیلی شوخ و البته خنده‌رو. بشار رسن با اشاره به سبک قرنطینه بوژیدار رادوشوویچ هم نکته جالبی را اشاره می‌کند: او برای اینکار کچل کرده است. البته او خوش تیپ است و کچل کردن هم به او می‌آید اما من نه. وای یک بار کچل کردم و برایم بدشانسی آورد و کالدورن



همین که مرا نگاه کرد گفت برو روی نیمکت بنشین! چهار هفته فکر کنم به خاطر آن روی نیمکت نشستم.

هافبک سرخپوشان درباره اینکه با توجه به

پایان قراردادش در این فصل آیا از این تیم جدا خواهد شد گفت: الان دایرکت و کامنت‌های من پر است از این درخواست که بمانم. باید بگویم انشالله. دوست دارم بمانم و این را بارها گفته‌ام اما این فقط من نیستم که تصمیم می‌گیرم و باید شرایط مهیا باشد. دروغ نمی‌گویم و چندین بار پیشنهاد داشتم و احتمالا برای پایان فصل هم پیشنهاد داشته باشم اما اولویت من پرسپولیس است. یک رابطه خوب با شما هواداران دارم و می‌خواهم آن را حفظ کنم. اما

کشمکش بر سر جام در هیاهوی کرونا

در شرایطی که تمامی جهان درگیر مبارزه با ویروس کرونا است، در ایران گویا در کنار مبارزه بر سر این بین بردن ویروس و پاکسازی جامعه از آن، نبردی هم بر سر تسکین وضعیت رقابت های این فصل لیگ برتر جریان دارد. تیم هایی که هر کدام به نحوی در ادامه یا خاتمه لیگ ذی نفع هستند در تلاشدند تا با صحبت های خود و با بهره گیری از توان رسانه ای،فضا را به نفع خود تغییر دهند.

مخالفان تعطیلی به فکر جام

قطعا بزرگترین مخالف تعطیلی لیگ برتر و ملغی شدن آن،تیم پرسپولیس است. صدرنشین فعلی لیگ که تا قبل از شیوع کرونا و تعطیلی مسابقات با اقتدار در رده نخست بود و با سرعت به سمت چهارمین قهرمانی پیاپی حرکت می کرد،هرگز دلش نمی خواهد که در فاصله ۹ هفته تا پایان پان ها تحت هیچ شرایطی جام را از دست بدهد. البته پرسپولیس ها هم چندان از ایده ادامه لیگ استقبال نمی کنند بلکه آن ها صرفا بر این باورند که باید جام لیگ نوزدهم به آن ها اهدا شود حتی اگر قرار است دیگر هیچ مسابقه ای در لیگ برتر برگزار نشود. صحبت هایی که سایر مدعیان قهرمانی را به شدت عصبانی کرده و باعث شده تا آن ها با موضع گیری های،نسبت به این اتفاق واکنش نشان دهند.

موافقان تعطیلی به فکر سلامتی

در راس موافقان عدم برگزاری لیگ در شرایط فعلی باشگاه سپاهان اصفهان قرار دارد. نزدیک ترین تعقیب کننده تیم پرسپولیس

بشار رسن:

کچل کردم و کالدورن گفت برو روی نیمکت

امیدوارم مشکلات مالی حل شود و کمی از این

ان شالله و چیزهای دیگر به سرانجام برسد.

بشار رسن درباره قهرمانی پرسپولیس نیز گفت: الان که فوتبال تعطیل است اما ما امیدوار به شروع دوباره فصل هستیم. می‌خواهیم دوباره قهرمان شویم. هیچ چیزی نمی‌تواند مانع از رویای ما شود. برای آن تلاش کردیم و اختلاف امتیازی فوق العاده ما این را نشان می‌دهد. ۹ بازی باقی مانده و در صورت شروع دوباره لیگ قادر خواهیم بود این فاصله را برای قهرمانی دوباره حفظ کنیم. با در زمین این اختلاف امتیاز را به دست آوردیم و برای تداوم آن هم تلاش خواهیم کرد. هرچند قطعا در شروع دوباره لیگ شرایط همه بازیکنان سخت خواهد بود و دوری از تمرینات گروهی و این شرایط کار را سخت کرده است اما این برای تمام تیم‌هاست.

هافبک عراقی در بخش دیگری از صحبت‌هایش با یک خبرنگار عراقی در لایو شرکت کرد که از علاقه خودش به زیدان و باشگاه رئال مادرید خبر داد: نشاط اکرم در عراق الگوی من است. اما در جهان فوتبال از زیدان خوشم می‌آید و باشگاه موردعلاقام هم رئال مادرید است. پرسپولیس را در آسیا یک باشگاه خاص با هواداران خوب است که بازیکنان فوق العاده و محبوبی همچون علی کریمی و علی دایی را در تاریخ خود داشته است. بعید می‌دانم کسر دستمزد بازیکنان در این شرایط در ایران اجرا شود چرا که بازیکنان همواره برای دریافت قرارداد خود با چالش مواجه هستند و این سبک متفاوت پرداخت نسبت به اروپا قطعا مانع از این موضوع خواهد شد.



در لیگ خود منتظر نمانده. آن ها سی سال است که در انتظار فتح لیگ برتر هستند و قبل از این که فوتبال به خاطر کرونا تعطیل شود، آن ها فقط دو برد تا قطعی شدن قهرمانی شان فاصله داشتند. با این حال در شرایطی که همه مردم جهان با این بیماری دست و پنجه نرم می کنند، در اردوگاه لیورپولی ها هیچ حرفی از اهدای جام به آن ها یا از سر گیری مسابقات نیست. بلکه از سرمربی این تیم گرفته تا بازیکنان آن، همه در فکر سلامتی مردم هستند و معتقدند که حفظ جان حتی یک انسان هم از تمامی برد و باخت های درون مستطیل سبز مهم تر است. لیورپول قطعا بهترین الگو برای تیم های حاضر در فوتبال ایران است تا به همه یادآوری کند که گاهی چیزهای مهمی تری از فوتبال در زندگی وجود دارد.

لیورپول:الگوی برای همه

قطعا هیچ تیمی در جهان به اندازه لیورپول برای قهرمان شدن

آن برزیلی با خنده آمد و با اشک رفت

پرحاشیه ترین خرید تاریخ لیگ برتر کیست؟

همچنین فشار رسانه ای شدید روی پرسپولیس و شخص افشین قطبی و پیش کشیده شدن بعضی از صحبت ها پرونده این بازیکن را خیلی زودتر از حد انتظار در ایران بست در حالی که امروز شاید با مرور مجدد تصاویر فرصت های گلی که او در دیدار سپاهان از دست داد این هجمه بیش از حد سخت گیرانه به نظر می‌رسد.

دی کارمو البته یک گل هم برای پرسپولیس زد. در بازی هفته پنجم برابر فولاد او گل اول پرسپولیس را به ثمر رساند اما این در شرایطی بود که این تیم دو گل خورده بود و در پایان بازی بود با نتیجه سه بر دو باخت تا گل این مهاجم برزیلی عملا هیچ جایی در ذهن و قلب هواداران پیدا نکند. دی کارمو مهاجمی بلند قامت و نه چندان تکنیکی بود که در سه چهار مسابقه با تیم پرسپولیس بازی کرد و آخرین مسابقه اش دیدار برابر فجرسپاسی بود که می توانست در آن بازی به گل برسد که البته شانس یارش نبود. تصاویری که امیرحسین خیرخواه از دوره حضور دی کارمو در ایران در آرشپوش نگهداری کرده نشانگر داستان جالبی است که خود افشین قطبی بهتر از هر کس دیگری می تواند درباره اش صحبت کند اگر چه او تا آخرین لحظه از این مهاجم حمایت کرده وحتی ابراهیم توره درخشان اما بی انضباط را به قوت خودش به داگ هاوس فرستاد. اصطلاحی که

انتخابات فدراسیون فوتبال چه زمانی خواهد بود؟

بعد از لحاظ در اساس نامه، راهی هیات رئیسه می‌شود و در صورت تایید مجمع دیگری برای تایید اساس نامه نهایی برگزار خواهد شد. اعضای مجمع ارائه می‌شود تا آخرین پیشنهادهای نیز به این شکل ارائه شود و بعد از بازنگری مجدد و تایید این اساس نامه در هیات رئیسه راهی مجمع فدراسیون فوتبال شود.

تایید اساس نامه جدید و تعیین تاریخ انتخابات

دومین مجمع سال جاری با هدف تایید مفاد اساس نامه و ارسال به فیفا و همین‌طور تعیین زمان انتخابات جدید این فدراسیون برگزار خواهد شد. البته پس از تایید اساس نامه فیفا به عنوان متولی اصلی فوتبال باید این اساس نامه و همین‌طور تاریخ انتخابات را نیز تایید کند.

انتخاب رئیس و اعضای هیات رئیسه

پس از این مرحله، کمیته انتخابات اقدامات لازم از قبیل فراخوان و نام نویسی از داوطلبان را انجام خواهد داد و پس از ارائه اسناد و مدارک طبق اساس نامه جدید، مجمع انتخاباتی برگزار و رئیس و اعضای هیات رئیسه انتخاب خواهند شد.

انتخابات چه زمانی خواهد بود؟

با نگاهی به اساس نامه کنونی این فدراسیون، می توان از جزئیات برگزاری مجمع مطلع شد. طبق قوانین، پس از تایید اعضای

شماره ۲۹۴۱

یادداشت

شهریار!

ما با تو بد کردیم

احسان محمدی

«حتی جنازه من هم به مکزیک گل می‌زد.» این جمله را به نقل از رضا عنایتی روی جلد یک روزنامه زدند. سال ۱۳۸۵. ما خواندیم و سر تکان دادیم یعنی بله! همین طور است! بی‌شک! در خلال جام جهانی ۲۰۰۶. علی دایی از اسب افتاده بود. به عادت ایرانی وقتش رسید که نوازشش کنیم. ما مردمی که شیفته به عرش بردن و بر فرش کوبیدن هستیم. کوتاهی کردیم، او را چنان له کردیم که انگار در دوره‌های گذشته مدام قهرمان جام جهانی می‌شدیم و این بار تقصیر دایی است که نگذاشت!

دایی سزاوار نقد شدن بود اما نه آن حجم از فحاشی و قدرشناسی. در سال‌های آخر هر چه از چالاکي و دوندگی‌اش کم شد، به فریادهایش اضافه شد. گل کرد، می‌زد خوشحالی‌اش هم پر از خشم بود. به مشت‌های گره کرده جوری فریاد می‌زد که انگار انتقامش را از کسی یا چیزی گرفته بود. وقتی در سومین دیدار تیم ملی یک ضربه سر را به بیرون از چارچوب دروازه اتکول زد، عادل فردوسی‌پور هم که یکی از منتقدان جری‌پوستی او بود گفت: «اگر دایی ۱۰ سال جوان‌تر بود این تپ را گل می‌کرد.» ما ریزریز خندیدیم!

انتقاد از دایی و برانکو آن روزها روی بورس بود. بیشتر ما گمان می‌کردیم که علی دایی حق خیل‌ها را خورده است. از رضا عنایتی تا وحید هاشمیان و آرش برهانی و … خیال می‌کردیم بازنشسته شود حریف‌مان را بریز می‌کنیم. گفتیم و نوشتیم که جاه‌طلب و دیکتاتور است. برانکو توی مشتش است و اوست که ارجح می‌چیند و دوستانش را بازی می‌دهد و اصلا فوتبال بلد نیست و دو تا روپایی نمی‌تواند بزند و شانسِ توپ‌هایش گل می‌شوند و یک تیر برق هم باشد این توپ‌ها به او می‌خورد و گل می‌شود و …

بهمن ۸۶ تیم ملی به نتیجه ناخوشایند

صفر – صفر مقابل سوریه رسید، تماشاگرانی که در سرمای دهشتناک برای تشویق تیم ملی به ورزشگاه آزادی آمده بودند در دقایق پایانی وقتی از عدم گلزنی بازیکنان ملی‌پوش خود نومید شدند، یکصدا به تشویق علی دایی پرداختند تا به نوعی به بازیکنان حاضر در زمین کنایه بزنند که جای او برای گلزنی خالی است. خیلی زود انگار پادمان آمد که هیچکس علی دایی نمی‌شود. شایسته نقد بود اما ما او را در چرخ گوشت انداختیم.

در سال‌های پس از انقلاب مهاجمان بسیاری لباس سفید، سبز یا قرمز رنگ تیم ملی را به تن کرده‌اند، اما بیش از همه این نام‌ها در خاطر مانده‌اند: حمید علی‌دوستی، فرشاد پیوس، ناصر محمدنژاد، کریم باوی، عبدالعلی چنگیز، صمد مرفاوی، خداداد عزیزی، علی دایی، وحید هاشمیان، مهدی طارمی، سردار آزمون، رضا قوچان‌نژاد و ….

دایی هیچ‌گاه قدرت دربیلیگ ناصر محمدخانی را نداشت، حتی قدرت سرزنی و سبکبالی باوی در پروازهایش گاه بسیار چشم‌نواز تر از او بود، سرعت و تیزچنگی عبدالعلی چنگیز از دایی نداشت، مانند عنایتی نمی‌توانست بغل بازیکن زیرکانه بزند، مثل فرشاد پیوس هم مدام آقای گل لیگ شد، مانند خداداد عزیزی خودش را از یارگیری مدافعان نمی‌رهاند، خونسردی علی کریمی را نداشت و استارت‌هایش هم هیچ شایهتی به حمید علی‌دوستی نداشت ولی مثل یک کوسه همیشه ولع داشت. سیر نمی‌شد. هر بازی برایش انگار اولین بازی بود. کم حرف می‌زد و جواب منتقدان را توی زمین می‌داد. سرسختی، سماجت و انگیزه دایی حرص آدم را درمی‌آورد. او همیشه برنده بود.

چند روز پیش پیام صادقیان در یک گفت‌وگو عنوان کرد: «من در فوتبال به همه چیز رسیدم و اشک خندم» همه چیز؟ این شاید نوع نگاه و تفاوت علی دایی با بسیاری از بازیکنان باشد. هیچ چیزی او را سیر نمی‌کرد و همیشه بیشتر می‌خواست، حضور در فینال لیگ قهرمانان اروپا، گلزنی به میلان و چلسی، زدن ۱۰۹ گل برای تیم ملی، قهرمانی با پرسپولیس، کسب عنوان بهترین بازیکن آسیا و … همیشه برایش کم بود. کریستیانو رونالدو قطعاً یکی از پنج گل‌هایش را به تیم‌ها درجه پنجم دنیا زد و کار خاصی نکرد، شما همان حرف‌های ۱۴ سال پیش ما را تکرار می‌کنید که خیال می‌کردیم علی دایی برود، جنازه بازیکنان بعدی از او بیشتر گل می‌زند!

علی دایی کی شگفتی کامل بود؛ بازیکنی که گاهی یک بغل پای ساده را نمی‌توانست بزند اما دل‌مان قرص بود که حتما گل می‌زند. ما روی شانه‌های لاغر او ایستادیم و بارها در آسیا پادشاهی کردیم. نسلی که حالا سکندران کسب‌های اجتماعی است حق دارد بپرخند بزند به این مقایسه‌ها؛ اما او، چیزی ورای یک فوتبالیست بود. احتمالا ترکیبی از ۹۰ درصد اراده، هوش، سرسختی، سختکوشی و ۱۰ درصد فوتبال.»